

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نسرین معروفی
۲۱ جنوری ۲۰۲۴

اوج گیری محبوبیت پوپولیستی راست افراطی

درآمد بحث:

تاریخ به ما می آموزاند که یکی از ترفند های جنایتکارانه بزرگ سرمایه در تمام جهان، زمانی که خودش را در تنگنا احساس نماید، پناه بردن به دامن آلوده به خون راست افراطی می باشد. این همان روندی بود که بزرگ سرمایه آلمان در اواخر دهه سوم و اوایل دهه چهارم قرن گذشته انجام داده، که باعث ظهور فاشیسم هیتلری شد و بخشهایی از جهان آنروز را به خاک و خون و آتش کشید. تا جایی که دیده می شود همان روند باز هم آغاز یافته، منتها به شکل دیگری که در اینجا بدان اشاره می نمایم:

اوج گیری محبوبیت پوپولیستی راست افراطی «الترناتیو برای آلمان» (AFD) در نظرسنجی ها و نتیجه اخیری که به دست آمده، در ظاهر نگرانی و سردرگمی را در صحنه سیاسی آلمان به وجود آورده است. البته اوج گیری قدرت سیاسی راست افراطی تا جایی که می دانیم بر می گردد به ناکارانی ها و رویکرد های احزاب حاکم اعم از حزب دموکرات مسیحی، سوسیال دموکراتها، لیبرال ها و سبز ها؛ یعنی از زمان قدرت گیری شرودر Schröder از ۱۹۹۸ الی ۲۰۰۵ در ائتلاف ۹۰/ سبز ها به حیث صدراعظم و فیشر Fischer به حیث وزیر خارجه آلمان، یکی سرخ و دیگر سبز تا به امروز که باعث نارضایتی های سیاسی و اقتصادی مردم شده است. سبزها و دو حزب دیگر ائتلاف می گویند که این بی لیاقتی و فقدان ستراتیژی و برنامه در حزب دموکرات مسیحی بوده است.

طوری که دیده می شود به محبوبیت AFD روز تا روز افزوده می شود و تبلیغات و سخنرانی های آنها مردم را که اکثریت کارگران را تشکیل می دهند به خود جلب نموده است، ولی سبز ها و دو حزب دیگر از آنها به نفع خود انتقاد می کنند و طوری وانمود می کنند که نظرات آنها با نظرات حزب AFD متفاوت است در حالی که از یک جانب نظرات این ها هم تفاوتی با حزب AFD ندارد، چون حمایت دولت بر سر اقتدار آلمان امروز از نسل کشی اسرائیل در غزه از دید انسانهای باوجدان کاملاً معلوم است و از جانب دیگر روندیست که توسط سیاستمداران کشورهای غربی در اکثر جوامع اروپا به وجود آمده است. امروز دیده می شود که در اکثر کشورهای اروپایی احزاب راستی قدرت را در دست دارند. به طور مثال در سویدن دومین حزب بزرگ پارلمان شد. در یونان،

اسپانیه، پولند، هنگری، هالند و ... احزاب فوق محافظه کار و متمایل به دیکتاتوری پیش می روند. البته افکار سیاسی احزاب راست افراطی در اروپا و با توجه به سابقه تاریخی و فاشیستی و طرز فکری که در المان در زمان نازی ها منجر به هولوکاست شد، اکنون نسل کشی اسرائیل در غزه را ممکن می سازد.

مبانی فکری AFD، اعم از گرایش های بیگانه ستیزی، نژادپرستانه، یهودستیزانه و اسلام ستیزانه تا نگرش های زن ستیزانه و مخالفت با دگرباشان و نیز تلاش برای نسبی کردن جنایات فاشیسم در جنگ جهانی دوم، به علاوه طرح شعارها و امیال پوپولیستی آنها برای حل معضلات پیچیده جامعه پیوسته آماج حملات و افشاکاری های احزاب دیگر و نهادهای مربوط به جامعه مدنی بوده است، مگر سؤال در اینجا است که چرا المان به حمایت از اسرائیل ادامه می دهد؟

بخشی از پاسخ مربوط به «گناه» نابخشودنی است که المان در مورد تحمیل هولوکاست به یهودیان احساس می کند و بخشی دیگر را می توان در نژادپرستی عمیق و ریشه دار بودن آن در میان نخبگان حاکم المان در سیاست، ادبیات و هنر جست و جو کرد. آیا دولت المان و بسیاری از روشنفکران و هنرمندان المانی، اگر قربانیان لشکر اسرائیل، فلسطینی نمی بودند بلکه انگلیس یا فرانسوی می بودند، همین طرز دید و رفتار را داشتند؟

همانطور که می دانیم، علت اصلی هولوکاست، غیرانسانی کردن یهودیان بوده است و همین روند امروز نسبت به فلسطینی ها ادامه دارد، یعنی حمایت گستخانه و بیشزمانه المان از اسرائیل، فلسطینی ها را جایگزین یهودیان کردند. دولت اسرائیل به طور سیستماتیک و رسمی فلسطینیان در غزه را به عنوان "حیوانات انسان نما" توصیف می کند و اعلام کرده است که "هیچ غیرنظامی بی گناه" وجود ندارد و همه آنها در واقع "در بدو تولد مقصر هستند" و به دلیل "به دنیا آمدن" گناهکار هستند. نخست وزیر نتانیاهو آنها را "عمالیک" * توصیف می کند و بیشزمانه و با افتخار به دنیا اعلام می کند که کل جمعیت فلسطین، از جمله نوزادان آنها، حتی حیوانات آنها، باید سلاخی شوند. پس دیده می شود که المان با حمایت مالی و نظامی از رژیم اسرائیل چنین دیدگاهی را تأیید می کند. این طرز تفکر عمیقاً در ساختار سیاسی غرب و فراتر از آن جای پای خود را باز کرده است. زمانی که نقاب های دفاع از دموکراسی، کرامت انسانی و حقوق بشر می افتد و سیاستمداران اعتقاد و باور های خود را که مبتنی به نژادپرستی و غیره هستند، آشکار می کنند.

خوانندگان عزیز! سؤال در اینجا است که چرا المان به حمایت از اسرائیل ادامه می دهد؟

به عنوان مثال، در طرز فکر نژادپرستانه و استعماری «اورسولا فون در لاین» Ursula von der Leyen، رئیس کمیسیون اروپا، می بینیم که او پس از حمله روسیه به اوکراین از اوکراین حمایت کرد، نه به این دلیل که روسیه قوانین بین المللی را نقض کرد، بلکه به این دلیل که «اوکراین یکی از ماست» و همچنین طرز تفکر «جوزپ بورل» Josep Borrell، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا گفت: "اروپا یک باغ است... بیشتر نقاط جهان جنگل است... و جنگل می تواند به باغ حمله کند." باغبان باید از آن مراقبت کند. پس دیده می شود که تفکر نژادپرستانه استعماری، بر قوانین بین المللی و حقوق بشر اولویت دارد.

این ایده که "باغ" متمدن باید در برابر "جنگل غیرمتمدن" محافظت شود در یک ذهنیت فکری، فرهنگی و تاریخی ریشه دوانده است. این ذهنیت فکری بر می گردد به نظریه پرداز حقوقی نازیها مانند «کارل شمیت» Carl Schmitt که وی به تحکیم حکومت ناسیونال سوسیالیست کمک کرد.

همان طرز فکری که المان را وادار می کند تا جنایات اسرائیل علیه بشریت در غزه را بپذیرد، همان ذهنیتی است که به «اورسولا فون در لاین» Ursula von der Leyen اجازه می دهد در مقابل تانک های اسرائیلی که از آنها

برای نابودی غزه و قتل عام مردم آن استفاده می کند، سر فرود آورد. این همان طرز فکری است که به «جو بایدن» اجازه می دهد «نتانیاهو» را در آغوش بگیرد و به او چراغ سبز برای نسل کشی نشان دهد و اسرائیل را از تجهیزات نظامی پر کند تا جهنم را بر پیر و جوان، زن و مرد فلسطینی نشان بدهد.

اوضاع و شرایطی را که ما امروز شاهد آن هستیم و می دانیم، تا زمانی که سران قدرت های کشورهای استعماری، نمادها و سازمانهای دفاع از «دموکراسی»، «حقوق بشر» و «کرامت انسانی» را بخرند، جنایات علیه بشریت بدون مجازات باقی خواهند ماند، ولو که کشوری مانند افریقای جنوبی، اسرائیل را به بالاترین دادگاه سازمان ملل متحد ببرد و آن را به جنایات جنگی سیستماتیک نسل کشی، پاکسازی قومی و مجازات دسته جمعی متهم کند، هیچ نوع مجازاتی از جانب دادگاه سازمان ملل صورت نخواهد گرفت تا زمانی که این وحشیگری توسط انسانهای مانند بایدن، شولس، مکرون، سوناک، فون در لاین و ... با تئوری های «برخورد تمدن ها» با دادن مشروعیت سیاسی و فرهنگی امکانات و شرایط را برای جنایتکارانی مانند نتانیاهو فراهم کنند.

طوری که ما در یکی دو سال اخیر شاهد هستیم، جنگ اوکراین و مشارکت المان در کمک به این کشور برای مقابله به حمله روسیه و نیز پذیرش شمار بالایی از پناهیجویان اوکراینی هم محمل تازه ای برای قدرت گیری AFD را فراهم کرده است. این حزب می گوید که «جنگ اوکراین، جنگ ما نیست» و ارسال سلاح و کمک برای اوکراین تنها به تداوم جنگ کمک می کند و «تورم و گرانی ناشی از تداوم جنگ هم فشاری بر دوش مردم المان است».

در همین راستا، پایان دادن هر چه سریع تر جنگ از طریق مصالحه با روسیه است و بازگرداندن سریع پناهیجویان اوکراینی که «فشاری مضاعف برای هزینه ها و خدمت رسانی نهادهای شهری و روستائی ایجاد کرده است». البته نه تنها اوکراینی ها باید المان را ترک کنند بلکه شامل همه پناهیجویان می شود. فکر می کنم که نظرات این حزب علیه پناهیجویان ظاهراً به خاطر جذب مردم است در غیر این صورت این حزب نباید فراموش کند که المان نیاز مبرم به جذب هر چه بیشتر متخصصان و نیروی کار خارجی دارد. به علاوه اخراج پناهیجویان، استفاده دوباره از گاز وارداتی روسیه برای تأمین انرژی هم سیاست و تبلیغات این حزب است.

ناگفته نماند که تأکید AFD بر «حفظ سنت ها و ارزش ها، هویت ملی و فرهنگی خانواده ها و ادامه نسل جرمن و همچنین عدم شرکت مالی المان در هزینه های اتحادیه اروپا و ...» است که البته این طرز تفکر هم برای بخش هایی از جامعه جذابیت بیشتر دارد.

این را باید بدانیم که با وجود ماشین جنایات استعماری، مبارزات خستگی ناپذیر خلقهای جهان وجود دارد. به دو دلیل.

اولاً، در حالی که برتری استعماری غرب آخرین نفسهایش را می کشد، شرق در حال طلوع است و همین مبارزات خلقهاست که قادر خواهند شد تا میراث سرمایه استعماری غرب را از ریشه نابود کنند تا نتوانند بیشتر از این رنج بی حد و حصری را بر مردم دیگر نقاط جهان تحمیل نمایند. آنچه در فلسطین می بینیم فکر می کنم که در عمل مبارزه ضد استعماری علیه تسلط نظامی کشوری بر کشور های دیگر است. طوری که می بینیم مقاومت شدید و شجاعت باورنکردنی مردم غزه با وجود زندگانی در جهنم ولی حمایت خلقهای سراسر جهان از آنها، سیستم استعماری را به یقین که به نابودی سوق خواهد داد. پس اگر اسرائیل می خواهد آینده ای در منطقه داشته باشد، باید سیستم اپارتاید وحشی خود را کنار بگذارد و بپذیرد که فلسطینیان هیچ گاه از مبارزه برای به دست آوردن حقوق انسانی و دموکراتیک خود دست نخواهند کشید.

دوم، اکثریت مردم در غرب خواهان آتش بس هستند. این که نسل جوان غرب به حقیقت فاجعه فلسطین پی برده اند و در کنار فلسطینی ها قرار گرفته اند، سیاستمداران کشورهای شان را منزوی خواهد کرد. ما هم اینرا نباید فراموش کنیم که «تاریک ترین زمان قبل از سحر است و خلقها می توانند با مبارزات خود سحر را نزدیک تر کنند»

نمودی از مبارزات مردم المان را می توان در تظاهرات ۸۰ هزار نفری در شهر هامبورگ علیه AFD مشاهده نمود. یکی از اهداف و خواستهای این تظاهرات حمایت از حضور خارجی ها در المان بود، پس بیائید ما هم حداقل برای تضمین آینده خود و فرزندان مان و امکان ادامه حضور همه ما در المان، به تقویت صفوف تظاهرات همت گماریم:



تظاهرات ۸۰ هزار نفری شهروندان هامبورگ علیه AFD

*- تاریخ طبری جلد اول صفحه ۱۹۲: یک قوم کهن عرب که قبل از بنای خانه کعبه به دست ابراهیم، در بیرون مکه و اطراف آن زندگی می کردند.